

انتشار نشریه دانش؛

قدمی در جهت مدرنیزه شدن نگرش جامعه نسبت به سلامت عمومی

الهه باقری

مسعود کثیری^۱

چکیده

انقلاب مشروطه یکی از چشمگیرترین تحولات دوران معاصر ایران بود که در شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور تأثیر زیادی داشت. زنان نیز به مثابه نیمه خاموش جامعه از این تأثیرات دور نمانده و وارد عرصه‌های گوناگونی شدند. در واقع، این جنبش مشروطیت بود که با به چالش کشیدن برخی از باورهای سنتی، زنان را از هویت خود آگاه ساخت و این نیمه فراموش شده‌ی جامعه را به عرصه‌های مختلف زندگی کشاند. یکی از این عرصه‌ها روزنامه نگاری بود. دکتر کحال -اولین زن چشم پزشک ایران- اولین روزنامه اختصاصی زنان به نام «دانش» را در تهران منتشر کرد. این نشریه در سال ۱۳۲۸ هـ. ق. / ۱۹۱۰ م. انتشار یافت و سی شماره از آن، در مدت نزدیک به یک سال، در اختیار خوانندگان قرار گرفت.

در این نوشتار کوشش شده است تا با بررسی و تحلیل شماره‌های موجود این نشریه، به معرفی آن پرداخته و با تحلیل موضوعات مندرج در آن، تأثیر مطالب و مقالات این نشریه در ارتقای بهداشت و سلامت عمومی جامعه، ارزیابی شود. این بررسی نشان می‌دهد که این نشریه در روند نوعی گفتمان خاص موسوم به «پزشکی شدن»^۱ که از نشانه‌های مدرنیسم در جامعه است، مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی:

حفظ‌الصحه، زنان، نشریه دانش، سلامت عمومی

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول) Email: masoodkasiri@gmail.com

مقدمه

پس از انقلاب مشروطه، طیف وسیعی از رسانه‌ها، مانند روزنامه‌ها، مجلات، هم‌چنین جلسات سخنرانی و در اواخر دوران پهلوی، رادیو، اثرات زیادی در تغییر نگرش مردم و تغییر در الگوهای زندگی، دست‌کم در شهرهای بزرگ داشتند. البته به نظر می‌رسد که میزان تأثیر هرکدام از این رسانه‌ها در تعداد مخاطبینی بود که داشتند و بنابراین نمی‌توان همه‌ی آن‌ها را هم‌سنگ دانست. در میان رسانه‌ها، تأثیر مجالس سخنرانی و وعظ، در روستاها و شهرهای کوچک و تأثیر نشریات و رادیو در شهرهای بزرگ که مخاطب بیشتری داشتند، چشمگیرتر بود.

در این میان چیزی که بیش از بقیه موارد جلب نظر می‌کرد، حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و به خصوص روزنامه‌نگاری بود. زنان فرهیخته آن زمان نه تنها در نشریات قلم می‌زدند، بلکه به تدریج اقدام به انتشار نشریات اختصاصی نمودند. اولین مجله تخصصی زنان، «دانش» است که خانم دکتر کحال آن را در سال ۱۳۲۸ هـ. ق. ۱۹۱۰ م. در تهران تأسیس و منتشر کرده است.

خانم دکتر کحال که گویا نامش معصومه بوده، همسر حسین‌خان و آن‌گونه که خود می‌گوید: «صبیه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدیدالاسلام همدانی» بود (دانش، سال اول، شماره ۱، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ ش.، ص ۱). به روایتی وی همسر یک روحانی معروف زمان خودش بود (وطن‌دوست، غلامرضا؛ شیپری، مریم؛ توکلی، آفرین، ۱۳۸۵ ش.، ص ۲۱). پدرش محمد حکیم باشی، از یهودیان ساکن همدان بود و تا قبل از تغییر دین، میرزا یعقوب نام داشت.

دکتر کحال نزد میسیونرهای آمریکایی که در ایران به امور خیریه می‌پرداختند، پزشکی (طبابت) آموخت و از سوی آنان اجازه یافت به مداوای بیماران بپردازد. بدین ترتیب، او که مقدمات طب را، پیش از آن نزد پدرش فرا

گرفته بود در خیابان جلیل‌آباد تهران مطب خود را دایر کرد (دانش، سال ۱، شماره ۲، پنجشنبه ۲۴ رمضان ۱۳۲۸، ص ۸). سپس آن را در مدارس مبلغین مسیحی در تهران تکمیل کرد و اولین چشم پزشک زن ایرانی بود که به کار مشغول شد. در برخی از شماره‌های نشریه دانش اطلاعاتی زیر چاپ شده است که: «اعلان: محکمه کحالی این خادمه ملت در خیابان جلیل آباد بود، حالیه کما فی السابق همه روزه قبل از ظهر سوای جمعه در جزو اداره روزنامه دانش از برای پذیرایی مرضای چشم حاضرم. خانم دکتر کحال.» (دانش، ص ۵).^۲ البته باید دقت کرد که نباید وی را با دکتر حسین کحال چشم پزشک که مدتی نیز مأمور درمان بیماری چشم امین اقدس، یکی از همسران ناصرالدین شاه بوده است، اشتباه گرفت و این دو هیچ نسبتی با یکدیگر نداشتند. (دژم، عذرا و همکاران، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۵۸)

این پژوهش تلاش نموده تا با بررسی نسخ موجود روزنامه دانش، ضمن معرفی و تحلیل مطالب آن، پاسخی برای پرسش‌های زیر بیابد:

- نشریه دانش چه اهدافی را در جهت ارتقاء مقام و منزلت زنان دنبال می‌کرد؟

- مطالب بهداشتی و درمانی مندرج در نشریه، به چه سمت و سویی بود؟

- نقش این نشریه در ارتقاء سلامت عمومی جامعه چه بود؟

روش انجام کار به شیوه کتابخانه‌ای و با بررسی نسخ خطی موجود در آرشیوهای قدیمی انجام شده است. قطعاً پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند نقش زیادی برای روشن نمودن قسمت‌های نادیده گرفته شده از تاریخ مطبوعات و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان ایرانی داشته باشد که در اغلب منابع تاریخی باقیمانده از آن روزگاران، بدان اشاره‌ای نشده است.

نشریه دانش و جایگاه زنان در روزنامه‌نگاری

مهم‌ترین دغدغه زن ایرانی پس از انقلاب مشروطه، شرکت در فعالیت‌های گسترده اجتماعی بود. یکی از مهم‌ترین آن‌ها انتشار نشریات تخصصی برای بانوان بود تا از این طریق خواسته‌هایشان را مطرح کنند و در راستای رسیدن به اهداف خود تلاش کنند (اسکندری نژاد، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۶). تا پیش از انقلاب مشروطه در نشریاتی مانند صوراسرافیل، حبل‌المتین، مساوات، ایران نو، ندای وطن و ملانصرالدین که توسط مردان منتشر می‌شد، بخش‌هایی از مطالب به مسائل مربوط به زنان اختصاص داده می‌شد و یا نوشته‌هایی از زنان را منتشر می‌کردند (حسین خواه، ۱۳۸۶ش، ص ۸).

زنانی که به فعالیت‌های مطبوعاتی وارد می‌شدند، چند ویژگی خاص داشتند: در درجه اول، به مردان سیاسی، فرهنگی و یا مردانی که خود دستی در انتشار روزنامه و مجله داشتند وابسته بودند و همین وابستگی سبب می‌شد که در نخستین گام از حمایت مردان برخوردار شوند. دوم این که، چون نظام آموزش و سوادآموزی بیشتر برای طبقات بالای جامعه اعم از فرهنگی یا سیاسی بود، طبعاً زنان متعلق به همان طبقات خاص نیز می‌توانستند وارد این عرصه شوند (رنجبرعمرانی، ۱۳۸۵ش، ص ۵۴). اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌های دستنویسی که گاه از سوی زنان و در واکنش به مسائل سیاسی- اجتماعی پخش می‌شد، به منزله تمرینی برای چاپ نشریه توسط آنان بود. نخستین انجمن‌های زنان هم چون انجمن آزادی، به رشد و تسریع روزنامه‌نگاری زنان کمک کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱ش، ص ۷۵). همچنین تصویب قانون مطبوعات در مجلس در روز شنبه پنجم محرم ۱۳۲۶ هـ. ق. ۱۹۰۸م. موجب گشت تا شماری از مطبوعات

ایران به درجه کمال برسد، (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸ش، ص ۵) و زنان نیز از این آزادی استفاده کرده و در همین زمان نشریاتی منتشر کنند.

د/نش، نام اولین نشریه اختصاصی زنان است که به صورت هفتگی، از ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ هـ. ق تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹ هـ. ق در ۳۰ شماره ۸ صفحه‌ای، با مدیریت و صاحب امتیازی خانم دکتر کحال و سردبیری ع. صفوت^۳ در تهران منتشر می‌شد. این مجله، هفتگی، غیرمصور و در هشت صفحه با قطع رحلی و چاپ سربی، روی کاغذ نیم ورقی با رنگ زرد، چاپ و مندرجات آن مربوط به امور زنان می‌شد. (تصویر شماره ۱) دکتر کحال در شماره نخست، خود را چنین معرفی کرد: « این کمینه خانم دکتر صبیه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدیدالاسلام، این جریده، موسوم به دانش را علی الحساب هفته‌ای یک نمره تقدیم ارباب ذوق و دانش می‌سازم...» (دانش، ۱۳۲۸ق، ص ۲).

محل دفتر روزنامه، در تهران، خیابان علاءالدوله، شماره ۳۴ قرار داشت و چاپ آن را سه چاپخانه، مطبعه شرقی، فاروس و چاپخانه مجلس شورای ملی بر عهده داشتند. قیمت این نشریه در تهران یک عباسی و در شهرستان‌ها پنج شاهی بود و از داخل و خارج از ایران نیز مشترک می‌پذیرفت. دانش جز در تهران و دیگر شهرها، در ممالک خارجه نیز توزیع می‌شد و گواه آن سرصفحه مجله است که قیمت اشتراک سالیانه در بلاد خارجه را ۷ فرانک اعلام کرده است.



تصویر شماره ۱

شاید به آن دلیل که صاحب امتیاز و مدیر نشریه در مدرسه آمریکایی تحصیل کرده بود، در میان نوشته‌های آن، اصطلاحات انگلیسی فراوانی چه به زبان اصلی و چه به صورت فارسی شده به کار رفته است. در بخش مطالب مربوط به اصول بهداشتی و سلامت بیش از هر بخش دیگر از اصطلاحات طبی و بهداشتی اروپایی استفاده شده است. مثلاً واژه «انسومنیه»^۴ (به معنی بیخوابی) و یا «اوینت منت»^۵ (به معنی خمیر دارویی - پماد) و یا «این کیوبیتو»^۶ (به معنی رحم مصنوعی که در آن کودکان نارس را تا وقت تولد حفظ می‌کنند)، از جمله واژه‌های نامأنوسی است که از زبان بیگانه وام گرفته شده است. البته ذکر این نکته ضروری است که تا آن تاریخ هنوز فرهنگستان ایران که وظیفه واژه‌گزینی را به عهده داشت، کار خود را شروع نکرده بود و از این لحاظ نمی‌شود خرده‌ی چندانی به نویسندگان این نشریه گرفت.^۷

مضمون نشریه؛ اجتماعی و اخلاقی بود و موضوعاتی مانند علم خانه‌داری، بچه‌داری و شوهرداری را در برمی‌گرفت. دکتر کحال در پیشگفتار اولین شماره، منظور از چاپ و انتشار مجله را «تحصیل اخلاق حسنه خانم‌های محترمه» بیان می‌کند. البته دانش، خود را «مفید به حال دختران و نسوان» می‌دانست و با توجه به اطلاعات ارزشمند پزشکی که در اختیار خوانندگان ویژه خود قرار می‌داد، آنان را هر چه بیشتر مجذوب می‌کرد. از توصیه‌های اکید خانم کحال مسئله‌ی «حفظ‌الصحه» خانه و اطفال است که به دلیل آشنایی با اصول بهداشتی و طبی، این موارد را بسیار دقیق توضیح داده است. وی همچنین تربیت اطفال را از بدو تولد، راهگشا و به عنوان راه حل بسیاری از مشکلات و عقب ماندگی‌های اجتماعی توضیح می‌دهد (دانش، دهم رمضان ۱۳۳۸ق. شماره یک، صص ۲-۳).

در نخستین شماره دانش، توضیح داده شده بود که این مجله فقط به موضوعات خانوادگی «تعلیم خانه‌داری، شوهرداری و بچه‌داری و...» می‌پردازد و «به کلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمی‌راند». (دانش، سال ۱، شماره ۱، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ش، ص ۱) در عمل نیز به مسائل سنتی زنانه مورد علاقه زنان طبقه متوسط و بالا (نظیر بهداشت، درمان و بچه‌داری) می‌پرداخت و خواستار اصلاحات اجتماعی نبود، همچنین دیدگاه اجتماعی و سیاسی آن بسیار میانه‌رو بود. هرچند که گاهی به موضوعاتی نظیر موارد زیر نیز می‌پرداخت: زنانی که به طور غیرقانونی بچه‌دار می‌شدند، کودکان سرراهی، بی‌حرمتی‌هایی که گاه در خیابان به زنان می‌شد، زنان طبقه متوسط شهری که پس از ازدواج به چشم کنیز برای شوهرانشان دیده می‌شدند.

از آنجا که تربیت نسوان و دوشیزگان و تصفیة اخلاق زنان، هدف مستقیم دانش به شمار می‌آمد، با چاپ مطالبی مانند: «خطاب به دوشیزگان» و «کلمات

حکمت‌آمیز» به آموزش و پرورش آنان همت می‌گمارد و سوادآموزی و تحصیل علم را امری واجب برای زنان بر می‌شمرد. در یکی از مقالات مجله چنین آمده است که: «خانم نجیبه محترمه اگر سواد ندارد باید فوراً در پی تحصیل سواد برآید و درس بخواند. زیرا زن بی سواد صاحب عقل و تمیز نخواهد شد و اگر سواد دارد باید بیشتر اوقات خویش را مصروف روزنامه خواندن کند. به جهت این که کسی که روزنامه می‌خواند همه چیز می‌داند.» (دانش، «رسم شوهرداری»، سال ۱، شماره ۱، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ ش، ص ۶) با این استدلال، با سوادان را تشویق به مشترک شدن و خواندن روزنامه می‌کند و حتی به شوهرانی که زنان‌شان سواد خواندن ندارند، تکلیف می‌کند که روزنامه را هر هفته برای خانم‌هایشان بخوانند تا هم کسب فیض کنند و هم به سواد دار شدن تشویق شوند.

از دیگر مطالب عمده روزنامه، آموزش مسایل خانه‌داری، شوهرداری و توصیه‌هایی به خانم‌ها برای تنظیم امور خانه و تأمین آسایش و راحتی شوهر و فرزندان و رعایت صرفه‌جویی در امور اقتصادی است. به عنوان مثال در مقاله‌ای در شماره ۱۷ می‌نویسد:

«.. در ترتیبات راحتی شوهر مواظب باشید، مثلاً غذای او را به دقت حاضر نمائید و در زمستان کرسی یا بخاری او را گرم و حاضر بدارید، اطاق را پاک و تمیز نگاه دارید. کلیه امور طوری باشد که وقتی مرد وارد خانه می‌شود، از هر جهت راحت باشد... شما اگر از جایی دلتنگی دارید وقتی که شوهر وارد خانه شد با روی گشاده او را استقبال کرده، تعارفات رسمانه را بجا بیاورید و آن اوقات تلخی را پنهان نمائید، مبدا مرد بیچاره هم از جای دیگر اوقاتش تلخ باشد، وقتی که خانه آمد بر اوقات تلخی او بیافزاید و در حال آنکه باید رفع اوقات تلخی از او بشود...».

(دانش، «رسم شوهرداری»، شماره ۱۷، ص ۵-۶).

بخشی دیگری از مطالب روزنامه را توصیه‌های اخلاقی، تشریح و توصیف اخلاق نیک و بد، خطاب به دختران جوان و نیز لزوم رعایت حدود و مقررات اسلامی و اجتماعی میان مردان و زنان، تشکیل می‌دهد که در قالب مقالات، «مطایبات» و پندهای حکیمانه و نیز داستان‌های پاورقی و ادامه‌دار، بیان شده است (بیران، ۱۳۸۱ش، ص ۳۷). همچنین تحت عنوان اخطار به مردان و جوانان، بعضی از بی‌مبالاتی‌ها و بی‌حرمتی‌ها را مورد انتقاد قرار داده و به ایشان توصیه می‌کند: «که مردهای ما حرمت و احترامی را که حسب الدنیا و نزاکت مجبور به رعایت آن به زنان هستند» همچنان و با وجود «بی‌مبالاتی‌هایی که در آداب اجتماعی» ما وجود دارد رعایت کنند.

با وجود برخی کاستی‌ها، همچون عدم پرداختن به مسائلی مانند ازدواج با اختلاف سنی زیاد، تعدد زوجات، حقوق زن در محیط خانواده و... انتشار مجله دانش مورد استقبال فعالان حقوق زنان قرار گرفت و حمایت خود را از آن اعلام کردند. مثلاً همسر میرزا یحیی دولت‌آبادی به خانم دکتر کحال نوشت: «نمره اول روزنامه دانش را با کمال شوق قرائت نموده نمی‌دانم با چه زبان اظهار تشکر از خانم‌هایی که این گونه خدمات نسبت به ملت خود می‌فرمایند بنمایم؛ چون تا حال روزنامه که مقید به حال نسوان باشد نداشتیم و زن‌ها باید به فکر خانه‌داری و بچه‌داری و شوهرداری بوده باشند. خواندن این روزنامه برای آن‌ها بسیار با فایده است.» (دانش، سال ۱، شماره ۲، پنجشنبه ۲۴ رمضان ۱۳۲۸ش، ص ۷).

اما این حمایت به معنای عدم انتقاد فعالان حقوق زنان از مجله دانش نبود. یکی از اصلی‌ترین انتقادهای بی‌توجهی دست اندرکاران آن مجله نسبت به برخی هدف‌های انجمن‌های زنان، مانند تحریم کالاهای وارداتی و ترویج منسوجات وطنی و چاپ اعلاناتی در تبلیغ محصولات خارجی بود. این امر موجب شد تا

خانم دکتر کحال با اعتراض برخی از فعالان حقوق زنان روبه‌رو شود. البته استدلال مدیر نشریه هم این بود: «اعلانات در تمام جراید درج می‌شود و عمومیت دارد ولی باید دانست که هیچ‌گونه ما در خیال تشویق و تحریص خانم‌ها به خریدن امتعه بی‌فایده بی‌لزوم نبوده و نیستیم فقط اعلانی داده‌اند و ما درج کرده‌ایم» (دانش، سال ۱، شماره ۲، پنجشنبه ۲۴ رمضان ۱۳۲۸ ش، ص ۷).

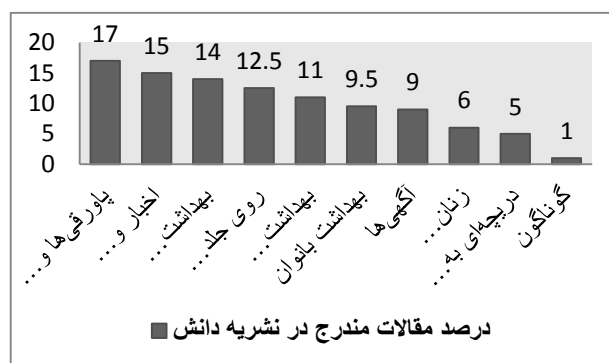
با وجود عدم توجه به حقوق اجتماعی زنان و کاستی‌هایی از این دست، مجله دانش نه تنها راهگشای روزنامه‌نگاری زنان در ایران شد بلکه با انتشار مقاله‌های متعددی درباره بهداشت، طب و بچه‌داری، ضرورت تحول و دگرگونی را در زمینه تلقی از بهداشت، تربیت و پرورش کودکان بیان کرد و نگرش جدیدی در این زمینه به زنان جامعه ایران ارائه کرد.

انتشار این روزنامه پس از ۳۰ شماره، به دلایل نامعلومی متوقف شد. از این نشریه تنها شش شماره بدست آمده است. (ر.ک. به: شکوفه به انضمام دانش، ص ۹) شماره اول روزنامه به تاریخ شمسی در تاریخ پنجشنبه ۲۳ شهریور (سنبله) ۱۲۸۸ هـ ش و به تاریخ میلادی در روز ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۸ م. منتشر شده است. آخرین شماره روزنامه به تاریخ دوشنبه دوم مرداد (اسد) ۱۲۸۹ ش و ۲۴ ژوئیه ۱۹۱۰ م. میلادی منتشر شده است. در آخرین شماره روزنامه اعلانی که در حقیقت بهانه تعطیل شدن آن است به این صورت آمده است: «به علت گرما و ضعف مزاجی که سرکار علیه خانم دکتر مدیر جریده دانش داشتند، در شمیران رفته‌اند. لهذا به عموم مشترکین محترم با کمال احترام عرض می‌شود از غره ماه شعبان تا غره شوال که دو ماه باشد طبع جریده را معذرت می‌خواهد. مشترکینی که تا ماه رمضان آخر سال اول باشد وجه آبونمان خود را پرداخته‌اند یک ماهی که

طلبکار می‌شوند از سال آتیه محسوب خواهد شد و اشخاصی که بیشتر طلبکارند ان شاء الله تلافی خواهد شد...» (دانش، سال ۱، شماره ۳۰، ۲۷ رجب ۱۳۲۹ ش، ص ۲).

برخی از عناوین مندرجات دانش در شماره‌های مختلف سال اول بدین شرح است: تجربه گرانبها است، طریقه غذا دادن اطفال، خطاب به دوشیزگان، رسم شوهرداری، اخطار به مدیره‌های مدارس، دایه از مادر مهربان‌تر نمی‌شود، دلالی نکاح، شوهرکردن خانم جوان به مرد کامل، حفظ الصحة زنان، اعلان تبریک بهار، عروسی‌های ممالک خارجه.

از نظر موضوعی، درصد مقالات مندرج در نشریه دانش به شرح زیر است:



آگهی‌های تجاری و اعلان‌هایی که در صفحات میانی چاپ می‌شد و همچنین داستان‌هایی که بیشتر ترجمهٔ رمان‌ها یا مطایبات خارجی بودند و برای تفریح و تفنن بانوان در پاورقی درج می‌گردید، از دیگر جنبه‌های جالب توجه مجله به شمار می‌رود.

توجه به بهداشت و سلامت در نشریه دانش

از آن روی که دکتر کحال، چشم پزشک بود و با مباحث پزشکی آشنایی داشت، مقالات و توصیه‌هایی در خصوص بهداشت و سلامت و امور پزشکی چاپ می‌کرد. این مقالات که حدود چهارده درصد از کل نوشته‌های نشریه را در بر می‌گرفت، در زمینه‌های مختلف بهداشت و درمان بود. در این‌گونه مقالات، بهداشت عمومی و امور پزشکی روز جامعه، به زبان ساده توضیح و تشریح گردیده است.

در برنامه‌ریزی کلی که در آن دوران برای مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر انجام شده بود، توجه به جغرافیای پزشکی بیماری‌ها به طرز برجسته‌ای به چشم می‌خورد. آمار فراوانی از اکثر نقاط کشور جمع شده بود که نشان می‌داد در هر ایالت کدام بیماری یا بیماری‌ها به عنوان عامل اصلی تهدید سلامتی جامعه محسوب می‌شوند. به همین لحاظ کوشش متولیان امر سلامت، روشنگری در این خصوص بود و روزنامه دانش هم از این امر مستثنی نبود. در نشریه دانش، مقالات متعددی به مبارزه با انواع وبا، توضیح درباره انواع وبا، بهداشت دندان، بهداشت چشم و گوش و دهان، اسهال، جوع، سوختگی، برونشیت، یبوست، اختصاص داده شده است. همچنین آموزش‌هایی درباره فواید نور آفتاب، مزایای استفاده از هوای آزاد به چشم می‌خورد.

یکی دیگر از مسائل مورد بحث در نشریه، موضوع بهداشت خانواده بود. خانواده اولین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است و سلامت افراد، تحت تأثیر اصول، ارتباطات، تکامل اجتماعی، شرایط اقتصادی و فرهنگی آن قرار می‌گیرد. اعضای خانواده، منعکس‌کننده فرهنگ اجتماع بزرگتر هستند و خانواده، واحدی برای فراهم کردن خدمات اجتماعی و مراقبت‌های جامع پزشکی است. چگونگی تأثیر

خانواده بر افراد و یا بالعکس با توجه به تغییرات طبیعی تکامل افراد در طول زندگی و آشنایی با عوامل خطر در خانواده بیشتر مشخص می‌شود. این مهم به خوبی مورد توجه نویسندگان نشریه دانش قرار داشته و به همین لحاظ در نوشته‌های این نشریه، حفظ الصحة اطفال بیشترین حجم را در بر می‌گرفت. روش غذا دادن به کودک، درمان بیماری کودکان و روش شیر دادن کودکان از مواردی است که دانش، با وسواس و ریزبینی تمام به شرح آن می‌پرداخت.

در این بخش از مقالات نشریه، مطالب بسیاری از آیین بچه‌داری و سلامت کودکان طبقه‌بندی شده و درباره طرز شیردادن طفل، طرز خواباندن او، محل خواب بچه و بیماری‌های بچه به تفصیل مطالبی آمده است. موضوع انتخاب دایه برای شیر دادن اطفال که از امور رایج آن زمان بوده به دقت حل‌جی شده و برای انتخاب دایه شرایط بسیار مشکلی را گذاشته است. همچنین در شماره ۲۴ نشریه، روشی برای ورزش اطفال به صورت مشق و ورزش آمده است که درباره چهار تمرین حرکات سر و گردن، نرمش دست‌ها، نرمش بدن و نرمش پا، توضیحات کافی داده شده است.

در نوشته‌های اواخر دوره قاجار به بعد، اندک اندک، شاهد نوعی تغییر در نگرش‌های عمومی نسبت به برخی از مسائلی که قبلاً در حوزه طب جایگاهی نداشتند هستیم. در این دوران به دنبال ورود افکار متفاوت و پیشرفت‌های علمی، برخی از عوامل به تدریج از حوزه زندگی عامیانه رخت بر بسته بود و رویکردهای جدید جایگزین شده بود. شاید یک مثال مهم در این خصوص، تغییراتی بود که به تدریج در مفهوم بارداری و تولد ایجاد گشت و آن را به مسئله‌ای پزشکی بدل کرد. در این دوران نقش ماماها محلی به تدریج کمرنگ شده و حداقل در

شهرهای بزرگ، این وظیفه به عهدهٔ قابله‌های دوره دیده گذاشته شد که با فرایند حاملگی و تولد به عنوان مسئله‌ای صرفاً پزشکی برخورد می‌کردند.

نشریهٔ دانش هم در این میان نقش بسزایی ایفا کرد و با چاپ مقالاتی در مورد مباحث بهداشتی مانند مواظبت از مو، لب، دندان و پوست وارد این عرصه شد. به غیر از چاپ مقالاتی در زمینه رعایت بهداشت هنگام شیوع وبا و سرماخوردگی اطفال، به مسائل دهان و دندان هم به نوعی دیگر نگاه می‌کند. به عنوان مثال می‌نویسد: «چیزی که بسیار اهمیت دارد، در خصوص اطفال این است که باید کمال مواظبت را در حفظ دندان‌های آن‌ها بنمایند. گمان نکنید که [با] کرم خوردگی دندان فقط درد دندان عارض آن‌ها می‌شود، بلکه اسباب خرابی مزاج او [نیز] می‌شود. دندان که فاسد شد، ... سردرد و سقوط اشتها و بی‌خوابی و نداشتن میل به کار و شغل و بالمال تمام حالات ما فاسد خواهد شد.» (ش ۱، ص ۳؛ ش ۴، ص ۲ و ۳).

اما نه تنها بهداشت دهان و دندان، که اکنون مواردی همچون خشکی و چروکیدگی پوست هم که به عنوان پدیده‌ی زیبایی و ناشی از قضا و قدر و مشیت الهی شناخته می‌شدند، اموری پزشکی شده و برای تغییر آن‌ها راه‌حل‌های پزشکی توصیه می‌شد. آگهی‌های تبلیغاتی متعدد پزشکان، جامعه را به این سطح از معرفت می‌رساند که خصوصیات ظاهری فرد تنها حاصل مشیت الهی و امری غیرقابل تغییر نبوده و برای تغییر در این‌گونه شرایط، می‌توانند به پزشکان مراجعه نموده و درمان‌های طبی دریافت دارند.

بازار گرایش مردم به خصوص بانوان شهری به امور زیبایی و پزشکی شدن آن تا حدی بود که برخی از پزشکان کتبی در این خصوص تالیف کردند. عبدالحسین کافی، پزشک جراحی که کتابی به نام «رموز آرایش» نوشت، در

نامه‌ای به وزارت معارف جهت درخواست مجوز انتشار، هدف از تألیف کتاب خود را این‌گونه بیان کرد: «در کتاب اخیر فقط و فقط بزرگترین منظوم آن بوده که بانوان و دوشیزگان را با اندرزهای صحیح از عواقب وخیم پاره‌ای عادات شوم مثل توالتهای بی‌جا، استعمال داروهای خطرناک و عدم ورزش بی‌اگاهانم و ضمناً دستورهای بهداشتی زیادی برای حفظ ریزش مو و معالجه بیماری‌های جلدی دستور داده‌ام...» (س.ا.م: ۱: ۲۹۷۰۵۰۷۲).

در این میان نقش نشریه دانش بسیار بارز بوده و دستورهایی که برای زیبایی خانم‌ها می‌دهد، درخور توجه است. دستور استفاده از ماسک خیار و شیر برای نظافت پوست (ش ۶ و ص ۷)، دستور لباس پوشیدن و فر زدن به‌طور درست (ش ۷، ص ۷)، مواظبت از تناسب اندام از طریق جایگزین کردن ساخارین به جای قند، نخوردن چربی، مصرف زیاد آب در صبح ناشتا، حرکت و کار جزو تعلیمات آرایشی و بهداشتی روزنامه است (ش ۲۶، ص ۶). تهیه ماسک از گیاه معروف به فجل (یا ترب فرنگی) که در روزنامه نام انگلیسی آن به صورت «حارص ردیش»^۸ آمده و روزنامه آن را ریشه خردل نامیده، از جمله مطالب جالب دستورهای زیبایی‌ست که در بخش مربوط به بانوان به آن برمی‌خوریم.

بررسی روزنامه‌های آن زمان، خواننده را با حجم انبوهی از آگهی‌هایی مواجه می‌کند، که هر کدام نوعی محصول بهداشتی و درمانی را، برای مواجهه با عوارضی همچون پوسیدگی دندان، خشکی پوست، چاقی، لاغری، تبلیغ می‌کردند؛ و تغییر در ظاهر افراد را که تا پیش از این به عنوان مسئله‌ای پزشکی نگریسته نمی‌شد، پدیده‌ای در حدود اختیار حوزه بهداشت و پزشکی معرفی می‌کردند. در میان آگهی‌های روزنامه دانش نیز چنین مسئله‌ای به چشم می‌خورد و برخی از آگهی‌های بازرگانی، از قبیل اعلان دوافروش‌ها، واردکنندگان لوازم زنانه، ابزار و

آلات موسیقی و غیره، در نوع خود نوعی سنت‌شکنی در فضای سنتی آن روز محسوب می‌شد.

پدیده کشف حجاب از بانوان، که در دوران پهلوی، «رفع حجاب» نامیده می‌شد، پدیده‌ای نو بود که در برخی از کشورهای اسلامی آن زمان مورد توجه حکومت‌های نوگرا همچون حکومت جمهوری ترکیه به رهبری کمال آتاتورک، حکومت افغانستان به رهبری امان الله خان و حکومت پهلوی اول، رضا شاه، قرار گرفته بود. صرف نظر از آثار سوء فرهنگی که این مسئله دربرداشت، متأسفانه بسیاری از روشنفکران آن زمان جامعه تحت تأثیر القایات حکومت قرار گرفته و هر کدام تلاش می‌کردند تا از زاویه دید خود به توجیه این کار بپردازند. نشریه دانش هم گاه به گاه متأثر از این جو عمومی مطالبی در این خصوص می‌نوشت. اما یکی از قابل تأمل‌ترین مطالب در این مورد، اشاره طنزآلودی است که البته از منظر بهداشتی، به امر حجاب دارد و سعی می‌کند تا با استفاده نادرست از زبان پزشکی، به تمسخر زنان با حجاب بپردازد. به عنوان مثال نویسنده مقاله‌ای تحت عنوان «قشنگی لب و دندان»، در وسط مقاله می‌نویسد: «نقاب و روبنده در وقت بیرون آمدن از خانه برای محافظت لب و صورت از برای خانم‌ها بسیار چیز خوبی است اگرچه می‌دانم در این دوره برخلاف میل بعضی‌هاست ولی مقصود ما حفظ الصحه است.» (دانش، ش ۱۷، ص ۴) او به تمسخر روبنده و نقاب را مانع استنشاق انواع میکروب‌ها قلمداد کرده و تأکید می‌کند: «خانم‌هایی که رو گرفتن را منسوخ می‌دانند به آن‌ها عرض نمی‌کنم. خانم‌هایی که بی‌سلیقه هستند و رو می‌گیرند اگر نقاب می‌زنند باید پیچۀ آن‌ها عربی اصل بسیار سنگین باشد.» (همان‌جا).

از دیگر مسائل مورد بحث در آن زمان، تقابلی بود که از زمانی نه چندان دور و به دنبال حضور پزشکان غربی در ایران و تأسیس مدرسه دارالفنون، بین طب سنتی ایران و پزشکی غربی به وجود آمده بود. رسوخ طب غربی در بین لایه‌های شهر نشین، به خصوص در شهرهای بزرگ، به همراه آثاری که بر آن مترتب بود، اندک اندک جای خود را در بین گروه‌هایی از جامعه باز کرد و طب سنتی را به چالش طلبید (پولاک، ۱۳۶۸ش، ص ۳۹۹). نمود چنین تقابلی در همه ارکان جامعه، به خصوص بین پزشکان هویدا بود. همچنین مخالفت‌های سختی هم از طرف برخی از پزشکان قدیمی و سنتی، در برابر این اصلاحات علمی صورت می‌گرفت. حتی برخی از این پزشکان و حکیم‌باشی‌ها برای مقابله با طب جدید دست به تألیف کتاب و رساله هم زدند (الگود، ۱۳۷۱ش، ص ۴۴۸).

به نظر می‌رسد که رویه نشریه دانش در این کارزار، تا حد زیادی محافظه‌کارانه بود و در موارد اندکی به انتقاد از برخی اعمالی می‌پرداخت که درستی آن‌ها نه مورد تایید مدعیان طب مدرن و نه طب سنتی ایران بود. به عنوان مثال در مذمت استفاده از روش‌های نادرست برخی شکسته‌بند‌های قدیم برای درمان شکستگی‌ها، می‌نویسد: «این را بدانید اطبایی که به واسطه علم تمام اسباب و آلات، بدن انسان مثل آئینه در جلو چشمشان است همه ایشان شکسته‌بستی را به خوبی نمی‌دانند قصاب و حمامی و بعضی شکست‌بست‌های اسمی، بی‌علم چگونه می‌توانند عضوی را جا بیندازند البته بدتر خواهند کرد» (ش ۱۷، ص ۸).

در بخش اعلانات عمومی نشریه، به آگهی ورود و شروع به کار یک خانم طبیب امریکایی به نام دکتر مودی برمی‌خوریم که ضمن آن که پزشک عمومی‌ست از «امراض مخصوص به نسوان و قابلیت مهارت به کمال دارد» (ش ۷،

ص ۲) و هم در مطب خود در خیابان علاءالدوله از مرضا پذیرایی می‌کند و هم هفته‌ای دو روز در مریض‌خانهٔ صحت «عموم طبقات، خاصه خواتین و خانم‌های محترمه را می‌پذیرد» (همان).

نشریهٔ دانش از ورود این طبیب اظهار شادمانی کرده و از این که «مرضای مسلمین و غیرهم را» قرین صحت و سلامت می‌نماید، برایش بقا و ثبات از درگاه احدیت مسألت نموده است. هفت شمارهٔ بعد، روزنامه خبر از ورود طبیب زن دیگری می‌دهد که او هم امریکایی‌ست و دکتر کلاک نام دارد و تخصصش قابلگی و امراض زنان است و جنب سفارت امریکا «کل امراض زنانه و مردانه را از صبح تا ظهر معالجه می‌نمایند» (ش ۱۴، ص ۲). روزنامهٔ دانش در ذیل این اعلان به قابله‌های سنتی که با عدم رعایت بهداشت موجب مرگ زنان باردار می‌شدند، حمله می‌کند و از مشکلات زایمان غیرطبیعی حرف می‌زند.

البته این کشمکش‌ها، به اقدامات بعدی دولت پهلوی در اشاعهٔ طب غربی منتهی شد. اقدامات دولت پهلوی در تأسیس مدارس متعدد و دانشکده‌های مختلف، حاصل نیازی بود که پزشکان و جامعهٔ علمی کشور به وجود مراکز تعریف شدهٔ درمانی و آموزشی منسجم، احساس می‌کردند. چنین مراکزی باعث شد تا مراحل مختلف بهداشت و درمان، تحت ضوابط و قوانین معینی درآمده و از اقدامات بی‌نتیجه و سردرگم جلوگیری شود. به وجود آمدن قشر زیادی از تحصیل کردگان و فارغ التحصیلان اینگونه مراکز که آشنایی کامل با روش‌های درمانی و بهداشتی غربی داشتند، حاصل چنین عملکردی بود (مستوفی، ۱۳۴۳ش، ج ۱، ص ۵۲۷).

در وهلهٔ اول به نظر می‌رسید که چنین دستاوردی برای ایران آن زمان، امری شگرف و در خور تحسین باشد، اما طبعاً در این راه، بسیاری از سنت‌های قدیمی

ایرانی و اسلامی که ریشه در تاریخ مردم داشت، به راحتی نادیده گرفته می‌شد و بسیاری از ظرفیت‌های فرهنگی که می‌توانست در چنین فرآیندی رشد و تکامل یابد، به راحتی در پستوی فراموشی قرار می‌گرفت.

طب سنتی ایران که حاصل اختلاط و امتزاج بین سنت‌های طبی ملل مختلف مشرق زمین بود و زمانی مکتب برتر طبی در دنیای قدیم به حساب می‌آمد، همچون دیگر مظاهر سنت، در این فرآیند تجدد خواهی، نابود شد و زمینه هرگونه بالندگی را از دست داد. ایراد اساسی که به اقدامات پهلوی اول در این خصوص وارد است، همان نادیده گرفتن ظرفیت‌های طب سنتی در ارتقای سطح سلامت عمومی و عدم اجازه به رشد آن است.

فرجام سخن

تعارض و تضارب افکاری که از اواخر دوره قاجار، به دنبال بروز افکار جدید بوجود آمده بود موجب التهاب و بی‌نظمی در جامعه شد. در چنین شرایطی همه ارکان قدرت اجتماعی، تلاش می‌کردند تا منویات اندیشمندان نسل جدید را پیش برده و جامعه را به سمت و سوی تغییرات اساسی پیش برند. در این میان، استفاده از مطالب طبی و واژگان پزشکی که برای مردم عادی عینیت بیشتری داشته و به نحو بهتری می‌توانست در اعماق ذهن مخاطبان نفوذ کرده و نوعی حس مشترک را برانگیزد، عمومیت بیشتری یافت. نویسندگان و خطیبان سعی می‌کردند برای تفهیم بهتر منظور خود، از واژگان پزشکی که به طور مستقیم با احساس درد و مشکلات جسمی مخاطب در ارتباط است، در کلام خود استفاده کرده و منظور خود را تجسم بخشیده و درک بهتری را در مخاطب ایجاد کنند. این پدیده که در اصطلاح جامعه شناسی پزشکی، «پزشکی شدن» نام دارد

مبحثی نو بود و در کشور ما این گونه تشبیهات و اختلاط بین حوزه پزشکی با مباحث اجتماعی سابقه تاریخی چندانی نداشت.

در این میان نشریه دانش نه تنها راهگشای روزنامه‌نگاری زن در ایران شد و زمینه انتشار نشریات تخصصی زنان و توسعه سریع روزنامه‌نگاری را بعد از جنبش مشروطه ایجاد کرد، بلکه تلاش کرد تا با انتشار مقاله‌های متعددی، ضرورت تحول و دگرگونی را در زمینه تلقی از بهداشت و سلامت عمومی، نشان داده و نگرش جدیدی را در این زمینه به زنان جامعه ایران ارائه دهد. به جرأت می‌توان گفت که مطالب این نشریه در روند نوعی گفتمان خاص، موسوم به «پزشکی شدن» که از نشانه‌های مدرنیسم در جامعه است، مؤثر واقع شده است.

پی‌نوشت‌ها

^۱ پزشکی شدن (Medicalization) در زمره محدود مفاهیم شایع جامعه‌شناختی است که امروزه در ادبیات نوشتاری و گفتاری مورخان و جامعه‌شناسان، به صورت روزمره وارد شده و بر خلاف تصور اولیه، تنها اختصاص به جوامع صنعتی نداشته، بلکه کشورهای غیر صنعتی، با ساختار سنتی هم، سطوح مختلف پزشکی شدن را تجربه می‌کنند (بنگرید به: کیوان آرا، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱).

^۲ در نسخه‌ای که کتابخانه ملی از این نشریه چاپ کرده است، آخرین شماره این روزنامه شماره ۲۵ است و دارای تاریخ ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ هـ.ق است (بنگرید به: شکوفه به انضمام دانش، ص ۵).

^۳ در سه شماره اول روزنامه دانش از دوره انتشارش نام ع. صفوت به عنوان سردبیر در زیر نام خانم مدیر قید شده بود؛ ولی از شماره چهارم به بعد تنها نام مدیر و صاحب امتیاز را دارد. استاد محیط طباطبایی درباره نام ع. صفوت می‌نویسد: «ع. صفوت هم بعید نیست همان مرحوم صفوت تبریزی باشد که مانند امیرخیزی به همراهی ستارخان به تهران آمده بود و بعدها از ادبا و معارفیان معروف آذربایجان محسوب می‌شد».

^۴ insomnia

^۵ ointment

^۶ incubator

^۷ در جریان کابینه دوم محمدعلی فروغی در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ هـ.ش/۱۹۳۵م. به پیشنهاد محمدعلی فروغی و حمایت علی اصغر حکمت، اساسنامه فرهنگستان در ۱۶ ماده بوسیله وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تنظیم و این نهاد ایجاد شد (بنگرید به: مکی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۳۴).

^۸ Horse Radish

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

اسکندری نژاد، نازلی. (۱۳۸۷ش.). زن / ایرانی و عصر روشنگری (بازخوانی تاریخ تحول اجتماعی زن ایرانی). تهران: انتشارات زیبا.

الگود، سیریل. (۱۳۷۱ش). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*. (ترجمه دکتر باهر فرقانی). ویراسته محمد حسین زمانی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

ببران، صدیقه. (۱۳۸۱ش). *نشریات ویژه زنان (سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر)*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸ش). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*. (ترجمه کیکاووس جهانداری). چاپ دوم. تهران: انتشارات خوارزمی.

ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۷۸ش). *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

دژم، عذرا و همکاران. (۱۳۸۴ش). *اولین زنان*. تهران: نشرعلم.

رنجبر عمرانی، حمیرا. (۱۳۸۵ش). *سازمان زنان*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

شیخ الاسلامی، پری. (۱۳۵۱ش). *زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران*. تهران: انتشارات زرین.

کیوان آرا، محمود. (۱۳۸۶). *اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی*. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳ش). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. (دوره ۳ جلدی)، جلد دوم. تهران: انتشارات زوار.

مکی، حسین. (۱۳۷۴ش). *تاریخ بیست ساله ایران*. (دوره ۸ جلدی). جلد ۶. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی.

وطن‌دوست، غلامرضا، شیپری، مریم، توکلی، مریم. (۱۳۸۵ش). *بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

ب) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷۰۰۵۰۷۲.

ج) نشریه

شکوفه به انضمام دانش، نخستین روزنامه و مجله زنان در ایران. (۱۳۷۷). تهران: اسناد و کتابخانه ملی ایران.

(د) مقاله

حسین خواه، مریم. (مردادماه ۱۳۸۶). «انقلاب مشروطه شروعی برای روزنامه نگاری زنان»، روزنامه اعتماد. شماره ۱۴۶۵، دوشنبه بیست و دوم مردادماه.

پیوست شماره ۱

شماره ۲	دانش	شماره ۱
بسم الله الرحمن الرحیم بر ایوب دانش و پیش همت نیست که خالق عقل و دلی و رازق کل فریض تربیت روح بشر را از سر و دست همه مستغنی و قوه حیات اموات ابداء و این موهبت را بطایفه نسوان عاده ذریا نام موالید از سجن تولید تا قریب ده سال گپ اخلاق و تربیت از مایه ها میباید و تقلید از حالات و اسلاف آنها میکنند خانه بنت که آنها نیز دو نیمه اموات هستند و هرگاه مادرها صاحب اخلاق روزیه باشند تاچار اولاد صاحب اخلاق حست نخواهند شد پس چه باید سکرد که مادرها بشارتند از همه این خدمت بجوی برآیند ؟ باید عالم شوند که فرموده اند (طلب العلم ترحة علی کل مؤمن - مؤمنه) یعنی تحصیل علم و دانش بر هر مرد و زنی واجب است (لطیف الرحمن ولو بالمعین) طلب کنید علم را اگر چه آن علم در حق باشد معلوم است اسباب تحصیل علم و دانش برای امثال حدارس است که امروز بمحافظه در این شهر بی سخت تا یک ساله برای امثال ذکور و انثا تهیه شده و نا تحصیل علم و دانش برای انثا و اهل پیش امیالی بهتر از جراید نیست که در لوکات فراموش با حواس جمع بمحاله آن مشغول گردیده از همه چیز مانا و عالم سحر کرده و برای اینک بختهای محترفات وطن و مادرهای عزیز صاحب عقل و فشان تعلیم خانداری و خوش داری و پیازی نام و پر دانش آنها بفرایم این گیسو ختم و سسکتر سینه مسعود میرزا محمد حاکم بنی جدید الاسلام این جریده موسوم به (دانش) را علی الحساب حست بان بزم خدیج ایوب ذوق و دانش میسازم و برنی تحصیل اخلاق حست خانهای محترمه و فریج و تقن انب در هر بزم ترجمه بنی و خانها با مطالبات را مشرح میباشم امیدوارم انکین و خانهای عزیز این تلخیص مدد فرمایند که این خدمت را بخوبی بخوانم دانهده برآمد و هیچ مدد و کتی بهتر از تشویق نیست و هیچ تشویقی بهتر از این نیست که	پای بناعت منجات مشتری شوند تا چندان شروی که نقول از عهده براند بر این بی تو تا چندان شروی که در وضع مشترک این جریده میتوانست باشد خبر این روزانه را بخرند - خانهای که سواد خواندن ندارند بر انکین محترم و ش است که این جریده را برای آنها مرحقه خواهند تا آنها جز از این فیض محروم نباشند بلکه همین سبب شود که تحصیل سواد نیز برآید حفظ الصحة اطفال خدمت خانهای عزیز مادر و دایای امثال مریم حست قدری توجه فرموده این مسطور اصل را ترمیم گشت فرمایند تا امثال عزیز خود را قوی بپند و سالم التراج عمل آورده همه دوزخ مبتلا بشف مزاج و تا خوشی امثال بمانند و عتج طیب بیدان نگردد * بیمای خنث و بیدار قلب بد خو و لیج و کره کن و قهر کن میشود و نصف شب بیدار شده و کره و زاری و بی قراری مینماید - دو خانه که چندی طفل باشد در میان آنها طفل مریم نباشد همه بخیر و خوشی با یکدیگر بازی میکنند اسباب زحمت نمیشوند بر خلاف اگر یک نفر در میان آن امثال چند که مزاحش هایل باشد در میان آنها مزاج قسم فقه آغاز ببسند و اسباب مزاج قسم زحمت میشود چنین طفل را طیب نشان دادن و مبالغه نمودن بهتر از گفتن زدن است زیرا که کلاه مزاج هایل او را سالم نخواهد نمود لکن دستور الدل طیب او را صحت نموده خواهد دید که دیگر از آن طفل یکی زحمت نخواهد رسید - این هم مسلم است که علم همه داری را در یک روز نمیتوان بدوخت * تجربه کران بها است خانهای جوان تربیت کننده اطفال امثال که اول وائی و هر شان است باید آگاهی نمایند که علم بیجه داری را از خانهای تجربه نموده یادآورند - آن خانهای تجربه کرده هر یک از تجارب خود را بفرار خون مد و بیست کران با ستاوده اند شما از انبیا با بابت ارزان خواهید خرید لکن قدر آن تجارب را خوب بداند *	

پیوست شماره ۲

ص ۳۳۳ دانش ۳۳۳

طریقه غذا دادن اطفال

مادران و دایکان اطفال بنادید حفظ الصحة اطفال بیده بقا دادن آنها است پس باید خیلی محتاط در غذا دادن اطفال بنشیند. مثلا اغلب حالت میسند که کوش درد دندان درد سرد و غش بچها از خف صدمه آنها است شاید کان میسند بواسطه سوء هضم است اما غشوه اطفال بواسطه ترش شدن شیر در صدمه آنها است و بدیند که اعصابشکم و اعصابی کوش و سرد دندان باحر ارتباط دارند این است که وقتی صدمه فاسد شد یکنوش و سرد و سایر اعضاء اثر میسند.

(اغذیه مناسب اطفال)

پس از آن که مطالب فوق معلوم شد برای خفهای با عقل و دانش غذاه دادن اطفال چندان اشکال ندارد و میسند از روی عقل و تجربه بنهند که چه غذائی بچها سازگار است کدام یک تا کار است چنانچ. یک وقت بچین دیده شد که غذائی سبب را من وقت بچین تا رسد پس ده سالی میدادند نرید از درد کوش می نمود و اکثر بواسطه خوردن آن غذا آن پس کرشد اگر به درایدهای برای زندهای بی تجربه این حکایت سبب قیید و خنده میشد لیکن در آخر معلوم گردید که در اصل حسب کوش انیسر ضعیف بود و آن غذا برایش ضرر داشت. در صورتیکه بایر اطفال جان غذا بی ضرر بود پس بید مادران و دایکان با عقل و عوش باین نکته ملاحظت و محتاط باشند غذائی که بطفل تا سازگار و ناگزیر است نهند. صحت اطفال وقتی است که شکم آنها بپاشد عمل نمایند و فیکه یوست طارش عقل شود عقل میگرد و دوا بن صورت ایفای ر' که بیوست دارند بترین تمیز آن است که داخل شیراز قدری ماء الشیر نمایند و علاوه شیر دهنده نیز هم وقت آب میسند قدری ماء الشیر داخل آن آب نباید زیرا که آب غالی دارای مواد لعن و لعک و کجاست و این هم به تولید یوست میسند. برای اطفالی که ضعیف بیده هستند و شکشان عمل درست ندارند به پر صحت این است که بعد از خوردن غذا بکشد روغن زیتون بدهند و این عمل

طریقه غذا دادن اطفال

بچه را که از شیر باز میسند باید در حین روز بیدار به اسکان جایی یا آب بدهند و اگر بیش از سه سال دارد پروتئال و کلاسی رسیده و سایر مویجات بدهند لیکن آن میوه را بود. دهسته که چه تا میسند بیوست یا سسه لی را بشنود و می روز بیدار قبل از ۴-۵ شیر یک تجمیل قند آب خیلی مفید است (بقی دارد)

اعلام

دواخانه مرکزی
میسو شورین مسیونرانی
دوا ساز مخصوص اعلا حضرت مایری
در خیابان ناصریه
طهران
اداره خصوصی بجهت تجزیه مریح ازانشیاء
و فروش صدمه مرهم از دوا بیات و ایسای
مدنی و اراکات عکسی و ایسای بیسای
و عنبریات و سایر دواعی محسوس

ایضا

منازه خانیدی
طهران خیابان لاله زار
کدر بر و بن و طرودهای امدادی لوان
و سایر ارازم زانه از مریدیل د لوازم مردانه
و بجهت کاه یافت میسند
و باهوتهای نماز و پارچه های اعلا برای لباس
زانه خوش بخت میسند.

«طریقه غذا دادن به اطفال»؛ «اغذیه مناسب اطفال»، دانش، شماره ۱، ص ۳.

پیوست شماره ۳

۷

دانش

شماره ۶

(حفاظت نامه زنان)

محضره نفسکر خاطر پیش از خوابیدن
سحره خانه دار که پواسله منته زاید پارسب
من از خود دست کشیده و پارسب شده اند و پیوسته
و دانه آن را برای خانه های جوان پسار لازم
و خوب است

ای خواهران وای دستان من اول چیزیکه
خاطر نشان شما بگویم اینکه توجه حال و نشاط
خود را بدم بدارید کارهای خانه را بدو و اول
حالی گاهت پشیمانید که او اظهار انجاب بدو و شما
پواسله زحمت - سخت تلاشی ننویسید توجه / حال
خود و تنبیه لباس و بایگیزه که برای شما از همه
چیز مهم تر است زیرا که فائده اول آن اندک است که
پوشان شما را بپوشاند و لذتی را از شما یاد بگیرد
و پیمان خود فروخت خواهند شد و دیگر آنکه همیشه
در نزد شوهر پشیمانی و قبول خواهند شد و خانه
دور می ماند استخدام کردن لازم و فروخت پواسله از
رفتن و رستنه زاید برای شما خسته گی عارضی شود
کف یا دوری یا داری قدری دور دیگر یک پشیمانی
کالک واقع دور رشتگی خود پیران و پارسب دوری
کالک به بان می نویسید روزها در بر داشته باشید
بانی سران این باشد که یک پیران مخصوص
از پسرانی خواب داشته باشید همیشه وقت خواب
افرا پوشیده و بدون پیران خوابید عرض پشیمانید

یاقاری است که صبح خریدم یک سکه بویایی بیا و راند
قو (خاتم بابی) به شب برای ما بپزد

اسکر این دو تر سکه کن می خوانند
آدم ها را رسا بزیاد آمده کک و گند

و این را در جایی همان بیا تو گفته

کلاشه و اولی را در انبار و بکارند و چیزی
مرا بپس خرید عری خود و بکارند اولی از این

پول خرج کردن بسیار و بپسیر می آید که

چرا که (مترادفین جاسوس) دل از جان گذاشته

بیا تو خرید اسن و بدین جهت خود می برد

و بی دماغ میداند آن شب را بپای تمام بپای او

و بدین سر و پد از قدری زدن پانی سادگی

را کشتن از پس لذت های کمی بپسیر نکند

مترادفین جاسوس - بپسیر بپسیر که خدای می

و هر روز با سه روز وای دستان شما عرض نمود
و هر روز بدین کار طریقت قدری راحت بپسیر
و پیش از نیم ساعت بپسیران که خوابیدن زاید
در روز اسنان را ست و کامل بدین بپسیر
چنانچه خوابیدن بپسیر یک نیم ساعت بدین
بپسیران که از یک چشم راحت و بدین
کرد و دو آن یک نیم ساعت کرد و بپسیران
از خود دور بپسیران که باز سر آن راحت شود
و بپسیران که پشیمان اسنان بدین قدری
سکرتش و قسم زدن در جاسوس و مع است
نه اینکه همیشه راحت و سانی باشند که باعث فریب
زاید شده و قرب پواسله بانی سکرتش شده بدین
حرکت نباید

ای ساقی فائده ای چنانکه در کارهای تو
شکسته شده است بدین که چقدر با طراوت
خرم است

(دلپوشه تر که خرج و آسان)

از برای دفع خشی پوست صورت و نرم

و ملین کردن آن - - - چند روز بخواب

بپسیران که در قدری شب خواب فائده بدین

ساعت از برای اسنان حاضر بپسیران اولی است

و کردن و دستگیر با آب گرم و بپسیران بدین

و بدین از قدری است و بپسیران مذکور مانی بدین

بپسیران شروع کرد آن شب بدین را از سه

بپسیران بدین

بپسیران بدین بپسیران خواب و رفت (ملین)

سایون جاسوس) بپسیران که کت که عیب شب

خوشی بدین که اگر در چای بپسیران بدین

و عیبی بپسیران از کت شوش حالی که داشت

بپسیران بدین رفته آن کسی داشت و کافه

حالی را که از اداره فرستاده بدین شما از

کلیه بدین و بدین سوزانده بدین تا نفس هم

و نفس کج کرد که در جلد و پو آید و بدین

با همه بپسیران کت کای از برای من بدین

فائده بدین کافه هم بدین و نفس بپسیران

شما از برای من زحمت کشیده پس است

پس است هر چه زحمت کشیده

یادداشت شناسه مؤلف

الهه باقری: کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی

مسعود کثیری: استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول)

نشانی الکترونیکی: masoodkasiri@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۸/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۲

انتشار نشریه دانش؛ در جهت مدرنیزه شدن نگرش جامعه نسبت به سلامت عمومی